

دو فصلنامه عقل و دین، مؤسسه دین‌پژوهی علوی،
سال یازدهم، شماره بیست و یکم (پائیز و زمستان ۹۸)

شناخت زیبایی و آثار آن در اصلاح سبک زندگی (با تأکید بر آیات قرآن کریم)

کبری علی اکبر^۱ محمدرضا شاهرودی^۲ محمود عبایی کوپایی^۳ قاسمعلی کوچنانی^۴

چکیده

یکی از موضوعات نسبتاً پرسامد در منابع دینی، شناخت و کاربست زیبایی در زندگی است. میل به زیبایی و به دنبال آن، دستور خرد به زیبا ساختن خود و زندگی، امری فطری است. قرآن کریم نیز آدمی را با زیبایی‌ها آشنا و به محقق ساختن آن در زندگی خود ارشاد می‌کند و زیبایی را که شامل مراتب: محسوس، غیر محسوس، معقول و مرتبه نهایی آن، یعنی زیبایی مطلق را که خاص جمال خداوندی است، به انسان می‌آموزد و از او می‌خواهد که بر مبنای فطرت زیباطلب خویش از زیبایی‌های معقول و معنوی در دستیابی به کمال مطلوب بهره‌گیرد. از دیگر سو با عنایت به آثار سبک زندگی و لزوم اصلاح آن در نیل آدمی به کمال و سعادت و نیز ارتباط زیبایی‌ها به ویژه زیبایی‌های معنوی با برترین سبک زندگی، لازم است به شناختی اصولی از این امر دست‌یافت. بررسی متون دینی به ما می‌آموزد که تنها شناخت زیبایی‌های معقول و مزین شدن به آن، سبب ارتقاء سبک زندگی معنوی در ابعاد مختلف به ویژه ایجاد ارتباط صحیح میان افراد گوناگون در اجتماع خصوصاً پرورش روحیه ایثار می‌گردد. سبک زندگی مبتنی بر زیبایی‌های اخلاقی که از آن در قرآن کریم به «حیات طیبه» تعبیر شده، ویژه کسانی است که به خداوند ایمان دارند و عمل صالح انجام می‌دهند.

کلیدواژه‌ها: زیبایی، سبک زندگی، حیات طیبه، زیبایی محسوس، زیبایی غیر محسوس، قرآن

- ۱ - دانشجوی دکتری دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب، تهران، ایران.
k.aliakbar1394@gmail.com
- ۲ - دانشیار و عضو هیات علمی دانشکده الهیات دانشگاه تهران، (نویسنده مسئول).
mhshahroodi@ut.ac.ir
- ۳ - استادیار و عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران جنوب، تهران ایران.
m_abaeikoopaei@azad.ac.ir
- ۴ - دانشیار و عضو هیات علمی دانشگاه تهران.
kouchnani@ut.ac.ir

(۱) مقدمه

بر پایه آموزه‌های دینی، انسان دین‌مدار، کسی است که عقاید مورد سفارش دین را باور کرده و به دستورات آن عمل کند. در میان دستورات دین، سبک زندگی قرار می‌گیرد که یکی از لوازم آن، اصلاح این سبک است که به طور طبیعی دچار انحراف می‌گردد. به علاوه یکی از مشکلات مهمی که در زندگی افراد دین‌محور ملاحظه می‌شود، عدم تطابق میان سبک زندگی با عقاید آن‌هاست. به نظر برخی محققان، سبک زندگی که شامل رفتارها و نگرش‌های فرهنگی، فردی و اجتماعی است، با ابعاد مختلف زندگی، تفکر و عملکرد، ارتباط کاملی دارد (رک: مهدوی کنی، ۱۳۹۳: ۷۳). با التفات به آثاری که شیوه زندگی بر نیکبختی انسان به جای می‌گذارد، شناخت و گزینش برترین سبک زندگی، امری الزامی به نظر می‌رسد؛ چه این که با فاصله میان باورهای دینی و روش زندگی، فرد و جامعه به سمت بی‌هویتی سوق می‌گیرند که علت آن را باید در کمبود شناخت آموزه‌های دینی و عمق نیافتن آن در وجود انسان متدین نسبت به نوع مواجهه در شیوه زندگی دانست و فهم آن نیز منوط به درک مفهوم سبک زندگی و شیوه تعامل آن با آموزه‌های دینی است. از دیگر سو در قرآن کریم، مسلمانان به اصلاح امور فردی و اجتماعی مرتبط با سبک زندگی امر شده‌اند هرچند به طور کلی انجام اوامر الهی نیز به تصحیح روش زندگی منتهی می‌شود.

با توجه به این که قرآن کریم به آن‌چه مآلاً به سعادت اخروی منتهی می‌شود نظر دارد، موضوع زیبایی و درک آن نیز که تأثیر قابل ملاحظه‌ای در اصلاح نگرش و سبک زندگی دارد، در کتاب الهی قابل کاوش و پژوهش است. بر این پایه، مقاله حاضر می‌کوشد بین دو مقوله درک زیبایی و اصلاح سبک زندگی به مثابه دو عنصر متغیر و وابسته نگریسته و در این رابطه در متون دینی با تأکید بر قرآن کریم تأمل

نماید. براین اساس، جا دارد نقش شناخت زیبایی در اصلاح سبک زندگی با نظرداشت آیات قرآن بررسی شود؛ زیرا لحاظ الگوهای قرآنی، تأثیرات قابل توجهی بر سبک زندگی بشر خواهد گذاشت؛ بنابراین پژوهش پیش رو در صدد پاسخ به این پرسش‌ها است: آیا قرآن به زیبایی با نگاه امری تأثیرگذار بر سرنوشت انسان نگریسته است؟ بین زیبایی و اصلاح سبک زندگی چه رابطه‌ای وجود دارد؟ مهم‌ترین موارد زیبایی مذکور در قرآن به عنوان عناصر تأثیرگذار در اصلاح سبک زندگی کدامند؟

در باره پژوهش حاضر، پیشینه‌ای به طور خاص (یعنی رابطه میان زیبایی و سبک زندگی در پرتو آیات قرآن و آنچه قرآن به عنوان امر زیبا با تعبیرهای مختص خود، یاد کرده است) در اختیار نداریم و محققى به عنوان مسأله به آن ننگریسته است لکن در خصوص دو موضوع سبک زندگی و زیبایی‌شناسی، پژوهش‌های ارزشمندی انجام شده است که موضوع پژوهش مورد بحث در آن‌ها به طور غیر مستقیم بیان شده و ذیلاً به برخی از آن‌ها اشاره می‌گردد:

یکی از محققان معاصر در کتاب «معنای زیبایی در قرآن کریم» به موضوع زیبایی در قرآن و واژه‌های مرتبط با آن در چهار مرحله پرداخته است (رک: مطیع، ۱۳۹۱). سیدی نیز در «زیبایی‌شناسی آیات قرآن» با استناد به آرای فیلسوفان غربی به بحث زیبایی‌شناسی پرداخته و با طرح دیدگاه ناقدان مسلمان، به تحلیل زیبایی کلام وحیانی همت گماشته است (رک: همو، ۱۳۹۰). علامه جعفری نیز اثر جامعی را در این زمینه با عنوان «زیبایی و هنر از دیدگاه اسلام»، نگاشته است (رک: همو، ۱۳۷۸). یکی از پژوهشگران نیز در اثر خویش به بررسی مصداق‌های زیبایی در آیات و روایات پرداخته و رابطه آن‌ها را با یکدیگر بررسی کرده است (رک: عادل‌ی مقدم، ۱۳۸۳، مصداق‌های زیبایی در نگاه قرآن). برخی نظریات نیز

در این باره، زیبایی‌شناسی اسلامی یا قرآنی را مطرح می‌کنند (رک: خرقانی، حسن، ۱۳۸۷، قرآن کریم، چشمه سار زیبایی‌شناسی).

در موضوع سبک زندگی نیز مجموعه‌ای سه جلدی در زمینه سبک زندگی توحیدی و موفقیت الهی، با عنوان «آرامش، خودباوری و بخشش» نگاشته شده است (رک: فعالی، ۱۳۹۶). آقای جوادی آملی نیز در کتاب «مفاتیح الحیاء» با معرفی عملکرد افراد در موقعیت‌های مختلف، شیوه زندگی ایمانی را در ساحت ارتباط انسان با هستی طرح نموده‌اند (رک: جوادی آملی، ۱۳۹۱). کتاب «دین و سبک زندگی» نیز به بررسی نظری معارف دینی و نظریه‌های موجود در باب سبک زندگی غربی پرداخته است (رک: مهدوی‌کنی، ۱۳۹۳).^۱

۲) مفهوم‌شناسی سبک زندگی و زیبایی‌شناسی

سبک زندگی، تعبیری آشنا و نه‌چندان دیرپای در ادبیات پژوهندگان مسایل انسانی، مرکب از سبک و زندگی است. در این جستار، نخست درنگی بر این دو واژه خواهیم داشت و آنگاه به مفهوم‌شناسی ترکیب اضافی «سبک زندگی» که چه بسا بتوان گفت علاوه بر مفهوم عرفی آن دارای معنای اصطلاحی نیز شده، خواهیم پرداخت. سبک اساساً واژه‌ای تازی است و در اصل به معنای ریختن ماده مذاب در قالب به منظور شکل‌گیری آن است (رک: ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱۰، ۳۸) و لذا سبک در کاربردهای دیگر خود حاوی مضمون شکل‌گیری است. در زبان فارسی نیز برای «سبک»، معانی هم‌سوایی، چون: روش، شیوه، طرز، راه و رسم، قاعده و اسلوب ذکر شده است. (معین، ۱۳۷۱: ج ۲، ۱۸۱۸) برخی از لغت‌شناسان بر این باورند که: «سبک» شامل دو موضوع است: فکر یا معنی و صورت یا شکل (دهخدا، ۱۳۷۳: ج ۱۲، ۳۲۰). برخی محققان «سبک» را برابر «style» در زبان‌های اروپایی و مأخوذ

از «استیلوس» در زبان یونانی دانسته‌اند که به ابزاری از جنس فلز یا چوب یا عاج اطلاق می‌شده که با آن روی الواح حکاکی می‌کرده‌اند. (رک: بهار، ۱۳۸۱: ۱۸)

«زندگی» نیز به مفهوم زنده بودن، حاصل مصدر (معین، ۱۳۷۱: ج ۲، ۵۲۴)، در مقابل مرگ و ممات و صفتی است مقتضی حس و حرکت (دهخدا، ۱۳۷۳: ج ۱۱، ۹۸۲)؛ حالت موجود زنده که با رشد و نمو و پاسخ به محرک‌ها مشخص می‌شود و او را از اشیاء بی‌جان جدا می‌کند و مجموعه فعالیت‌های شخص در طول زمان مشخص، نیز امکاناتی که برای رفاه، آسایش و زنده ماندن فرد لازم است. (انوری، ۱۳۸۲: ج ۵، ۳۸۸۹) نظر به این که این پژوهش به واکاوی سبک زندگی در قرآن اهتمام دارد، ذکر این نکته خالی از لطف نیست که نگاه قرآن به موجود زنده با نگاه دیگر انسان‌ها حتی عالمان متفاوت است و این نگاه در اندیشه قرآن‌باوران مسلمان رسوخ کرده؛ چه این که در منظر قرآن، همه موجودات دارای حیاتند و آثاری هم‌چون حمد و تسبیح و ... که در قرآن بدان تصریح شده نشانه این حیات است و در مقابل، انسان چنان چه از صفات حقیقی انسان تهی گردد و روح انعطاف پذیر انسانی خود را از دست دهد دیگر از صفت حیات برخوردار نیست و بر او زنده و بر صفات او زندگی (به مفهوم زنده بودن) اطلاق نمی‌شود و چنین انسانی به واسطه فقدان صفت زندگی (در منطق قرآن) قادر به اصلاح زندگی خود نخواهد بود.

سبک زندگی، یکی از مفاهیم کلیدی در علوم اجتماعی نوین به شمار می‌آید که در تحولات مسایل اجتماعی و فرهنگی معاصر، جایگاه خاصی یافته است. مطابق با یافته برخی پژوهشگران، امروزه سبک زندگی به معنی: شیوه انجام چیزی به-خصوص راهی که نشان‌دهنده تأکید بر طرز نگرش خاص یا مشخصه دوره معینی باشد، به کار گرفته شده است. (ام ان انکارتا، ۲۰۰۴: ۲۳۶). برخی محققان، سبک زندگی را طیفی رفتاری می‌دانند که اصلی انسجام‌بخش بر آن حاکم است و عرصه‌ای

از زندگی را تحت پوشش خود گرفته و در میان گروهی از افراد جامعه مشاهده می‌شود؛ گرچه ممکن است همه مردم آن را تشخیص ندهند. (فاضلی، ۱۳۸۲: ۸۳). براساس مطالب فوق، سبک زندگی مجموعه‌ای از الگوهای سامان‌یافته رفتاری است که از باورها و ارزش‌های یک فرهنگ سرچشمه می‌گیرد و بر تمام مسائل زیستی انسان اطلاق می‌شود و نوع نگرش آدمی به هستی و طرز رفتار آدمی را در ارتباط با خود و پیرامون او از جمله شیوه تعامل با دیگران را شکل می‌دهد.

در عصر حاضر، سبک زندگی به مفهوم جدید آن در مغرب زمین با توجه به دور شدن انسان‌ها از تعالیم الهی و زیبایی‌های معقول و معنوی، انسان معاصر را با چالش‌های جدی و سرگردانی‌های عمیق مواجه ساخته است. ماکس وبر، جزء نخستین جامعه‌شناسانی است که برای رهایی از حیرت و اضطراب زندگی در جهان معاصر، برگشت مجدد به دین یا تحمل وضعیت موجود را توصیه می‌نماید. (وبر، ۱۳۸۴: ۴۱۱) مطابق دیدگاه او در جامعه مدرن، انسان، بدون سرپناه است؛ زیرا عقلانیت مدرن، دین را از عرصه حیات بشر کنار نهاده و آن را به قلمروهای غیرعقلانی رانده است ولی خود نتوانسته مشکلات بنیادی او را حل کند. (همان، ۱۳۸۴: ۱۸۰)

دیگر تعبیر بایسته واکاوی در این بخش، زیبایی‌شناسی است. این تعبیر به معنای درک زیبایی، مرکب از «زیباشناس»، اسم فاعل مرکب مرخم و «یاء حاصل مصدری» است. زیبا به معنای شایسته، نیکو و جمیل است و زیبایی، به کیفیت موجود زیبا اطلاق شده و حاکی از نظم و هماهنگی همراه عظمت و پاکی است که در شیء زیبا وجود داشته، تمایلات عالی انسانی را تحریک می‌کند، انبساط پدید آورده و امری نسبی است (معین، ۱۳۷۱: ج ۲، ۱۳۶۷). در زبان قرآن که متأثر از لغت عرب است، مفهوم «زیبا» با واژه «جمیل» و مفهوم خوب و نیکو با واژه «حَسَن»

ذکر شده و بالطبع مفهوم «زیبایی» با کلمه «جمال» و مفهوم خوبی با واژه «حُسن» بیان می‌گردد؛ گرچه مصادری چون «بهاء»، «جلال»، «تبرج» و «تسویل» و مشتقات آن‌ها دارای مفاهیمی مشابه، همسو یا مرتبط با مفهوم زیبایی‌اند. کوتاه سخن در باره مفهوم زیبایی در کلام برخی صاحب‌نظران که زیبایی را به مفهوم تناسب قسمت‌های مختلف یک مجموعه با کل آن دانسته‌اند، مشاهده می‌شود؛ شبیه‌سازی‌های عمارتی که بخش‌های گوناگون آن با هماهنگی خاصی بنا شده باشد (رک: مطهری، ۱۳۸۱: ۵۵). با این توجه، زیبایی راستین در هر موجودی در صورتی ملاحظه می‌شود که آن موجود، اعم از آن‌که در چه مرتبه وجودی است، به غایت هستی خویش رسیده باشد.^۲

زیبایی‌شناسی علاوه بر آن‌که رساننده معنای عرفی خود است دارای بار اصطلاحی نیز هست؛ چه این‌که زیبایی‌شناسی، گرایشی در فلسفه است که به داوری طبیعت زیبایی می‌پردازد و با تفسیر پدیده‌های هنری ارتباط دارد (عبدالحمید، ۱۳۸۴: ۱۳۳).

۳) زیبایی‌شناسی در زبان قرآن

خداوند بر مبنای نیازهای آدمی، در فطرت انسان، امیال و گرایش‌هایی نهاده تا با توجه به آن امیال که در وجود انسان هم‌چون راهبری درونی در کنار دیگر راهبرانی که او را هدایت می‌کنند، عمل کند و او را به کمال هستی خویش نایل سازد. یکی از این امیال فطری که خداوند در انسان نهادینه و از آن در کتاب خود یاد کرده، میل به زیبایی است و از این روست که تمامی تعالیم اسلام، به علت آن‌که از سوی جمال مطلق نازل شده، سرشار از زیبایی است و به همین جهت نیز شناخت زیبایی در آموزه‌های مذکور، اهمیت فوق‌العاده‌ای می‌یابد و تنها در این صورت است

که انسان می‌تواند به غرض نهایی آفرینش که هدایت به سعادت حقیقی است، دست یابد.

طبق نظر برخی از اندیشه‌ورزان، حُسن، معنایی وجودی است و به چیزی، حَسَن اطلاق می‌شود که ویژگی خاصی در آن ملاحظه گردد که آن شیء باید داشته باشد. از دید ایشان آیه: «الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ» (سجده/ ۷) حُسن را برای آفرینش هر چیزی اثبات می‌کند؛ البته حسنی که لازمهٔ خلقت است. هر جا آفرینش باشد، زیبایی نیز هست؛ لذا حسن، تناسب شیء زیبا با هدف مورد نظر برای آن شیء است (رک: طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۵، ۱۰-۱۵).

در قرآن کریم، صرف نظر از تفاوت‌هایی که بین واژگان همسو وجود دارد و برخی از باریک‌اندیشان در حوزه لغت، همچون ابو هلال عسکری در کتاب فروق فی اللغة به آن عنایت ورزیده‌اند، واژگانی را ملاحظه می‌کنیم که مستقیماً یا به طور غیر مستقیم به مفاهیم زیباشناختی منتهی می‌شود؛ لذا در این بخش به مواردی از آن واژگان و کاربرد قرآنی آن‌ها اشاره می‌گردد:

کلام الهی برای توصیف زیبایی در: موضوعات مادی و معنوی، رفتارها، گفتارها و صفات قلبی، «حُسن» (مصطفوی، ۱۳۷۴: ج ۲، ۳۲۱-۳۲۳)؛ افعال و پدیده‌ها، «جمال» (ابن منظور، ۱۴۱۴: ج ۱۱، ۱۲۶)؛ دنیا، لباس، مال، زنان و ایمان، «زینت» (فیروز آبادی، ۱۴۱۶: ج ۳، ۱۵۶-۱۶۰)؛ زیورهای دنیوی و اخروی، «حلیه»؛ رستنی‌ها، «بهجت»؛ سرسبزی زمین، سخن فریبنده و خانه‌های آذین‌بسته، «زخرف» به مفهوم زینت درخشانده را (راغب اصفهانی، ۱۳۷۵: ۲۱۲) به کار می‌برد. «تسویل» نیز به معنای آراستن بدی‌ها (راغب اصفهانی، ۱۳۷۵: ۲۴۹)؛ «حبک» به معنای حسن و زینت و نیز خلقت عادلانه (طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۱۸، ۳۶۶) و تبرج به مفهوم آشکار کردن زیبایی زنان است (راغب اصفهانی، ۱۳۷۵: ۱۱۵). گرچه واژگان

فوق، مرتبط با مفاهیم زیباشناختی‌اند اما برخی از این واژگان در قرآن کریم به مفهوم زیبایی غیرحقیقی که لازم است از آن پرهیز داشت، اشاره دارند و چه بسا آیات الهی، انسان را از آن موارد به ظاهر زیبا که باطنی نازیبا دارند، با افعال نهی برحذر می‌دارد. به طور نمونه در آیه: «... وَ لَا تَبْرَجَنَّ تَبْرَجَ الْجَهْلِيَّةِ الْأُولَى...» (احزاب/۳۳). «تبرج» به معنای آشکار شدن در برابر مردم است؛ همان‌طور که برج قلعه برای همه آشکار است (طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۱۶، ۳۰۹ و ۳۱۶). در تفسیر قمی در روایتی از امام صادق (علیه‌السلام) نقل شده است: بعد از جاهلیت اول، جاهلیت دیگری نیز خواهد آمد^۳ (همو). تسویل نیز گرچه پوسته‌ای آراسته دارد ولی در حقیقت، امری است که بنابر آیات الهی، کار نفس^۴ و شیطان^۵ است و باید از آن اجتناب کرد.

مفهوم زیبایی بر اساس یک تقسیم بندی کلی، شامل مراتب چهارگانه‌ای است، زیبایی: ۱- محسوس که به صورت نمودهایی در طبیعت است و ثباتی ندارد. ۲- غیرمحسوس طبیعی مانند آزادی و علم محض که اگر هم ثباتی داشته باشد، نسبی و محدود است.^۶ ۳- معقول ارزشی مانند عدالت، حکمت و دیگر وارستگی‌های روحی ۴- زیبایی مطلق که عالی‌ترین کمال را داراست و جمال آن، فراتر از همه زیبایی‌ها است.^۷ (جعفری، ۱۳۷۸: ۱۵۱-۱۵۲ و ۲۴۷). آدمی در مسیر کمال، ابتدا مراتب نخستین زیبایی را می‌بیند و طبعاً بالاترین آن را طلب می‌کند (خمینی، ۱۳۷۴: ۳۷). زیبایی، صرفاً مربوط به گزینه جنسی انسان نیست؛ زیرا در جهان، هزاران گونه زیبایی وجود دارد. (مطهری، ۱۳۷۷: ۵۲۸)

در قرآن کریم، امور و مسایل گوناگون و متعددی زیبا، نیکو، خوب و امثال آن خوانده شده که طبعاً خداوند در این باره به تغییر نگرش در انسان در حوزه عقیده یا عمل عنایت داشته است. برخی از این موارد که در حوزه زیبایی‌های محسوس

طبقه‌بندی می‌شوند و از واژگان مرتبط با مفهوم زیبایی در آن‌ها استفاده شده است، از این قرارند: تأکید بر حسن بخشیدن به تمامی مخلوقات: «و الذی أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ...» (سجده / ۷)، چگونگی خلقت انسان: «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ» (تین / ۴) و «... وَ صَوَّرَكُمُ فَأَحْسَنَ صُورَكُمْ» (تغابن / ۳). مزین ساختن آسمان: «إِنَّا زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِزِينَةِ الْكَوَاكِبِ» (صافات / ۶) و «وَلَقَدْ جَعَلْنَا فِي السَّمَاءِ بُرُوجًا وَ زَيَّنَّاهَا لِلنَّاظِرِينَ» (حجر / ۱۶). رویدنی‌های سرورانگیز: «... وَ أَنْبَتْنَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ بَهِيجٍ» (حج / ۵). زیبایی نمای حرکت چهارپایان: «وَلَكُمْ فِيهَا جَمَالٌ حِينَ تُرِيحُونَ وَ حِينَ تَسْرَحُونَ» (نحل / ۶) و زیبایی مروارید: «وَهُوَ الَّذِي سَخَّرَ الْبَحْرَ لِتَأْكُلُوا مِنْهُ لَحْمًا طَرِيًّا وَ تَسْتَخْرِجُوا مِنْهُ حِلْيَةً تَلْبَسُونَهَا...» (نحل / ۱۴).

گرچه قرآن کریم به درک زیبایی محسوس دعوت می‌کند اما نباید به شناخت و احیاناً لذت مادی از زیبایی‌های محسوس بسنده کرد بلکه باید آن را معبری برای رسیدن به زیبایی معقول و معنوی و شناخت جمال مطلق الهی قرار داد. منشأ توجه به زیبایی‌های محسوس نیز روح الهی زیباجویی است که در وجود بشر قرار دارد اما صرف اهتمام به این‌گونه زیبایی‌ها، آدمی را در مسیر قرب الهی اوج نمی‌بخشد و چه بسا مانع ارتقای معنوی او نیز گردد.

موضوعی که در قرآن کریم به دلیل جایگاه تربیتی آن در زمینه‌های متعددی مورد توجه قرار گرفته، زیبایی‌های معقول و معنوی است که خاستگاه آن، ارزش‌های عالی اخلاقی محسوب می‌شود. به نظر استاد مطهری برخی روی فعل، تکیه دارند؛ یعنی زیبایی را صفتی که در فعل وجود دارد، می‌دانند و می‌گویند که بعضی کارها ذاتاً زیبا هستند؛ مثلاً صداقت، زیبایی خاصی دارد؛ چه برای گوینده و چه برای شنونده که هر انسانی را به سوی خود می‌کشد و طبعاً انسانی که دارای چنین فعلی است، زیبا هم می‌شود. (مطهری، ۱۳۷۷: ۷۵۹) فضایل اخلاقی در حوزه زیبایی‌های

معقول و معنوی قرار می‌گیرند. برخی از این موارد در قرآن کریم که در حوزه زیبایی‌های معقول جای می‌گیرند، عبارتند از: زیبایی ایمان^۸ و بالاتر از آن، این که منشأ درک این زیبایی نیز کار خداوند است: «...وَلَكِنَّ اللَّهَ حَبِيبٌ إِلَيْكُمْ الْإِيمَانَ وَ زَيْنَهُ فِي قُلُوبِكُمْ وَ كَرَهُ إِلَيْكُمْ الْكُفْرَ وَ الْفُسُوقَ وَ الْعِصْيَانَ...» (حجرات / ۷). صبر جمیل^۹: «فَاصْبِرْ صَبْرًا جَمِيلًا» (معارج / ۵). زیبا سخن گفتن: «وَ قُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا...» (بقره / ۸۳) و گفتن سخنان زیبا: «وَ قُلْ لِعِبَادِي يَقُولُوا الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ الشَّيْطَانَ يَنْزِعُ بَيْنَهُمْ...» (اسراء / ۵۳)^{۱۰}. عفو زیبا^{۱۱}: «...فَاصْفَحِ الصَّفْحَ الْجَمِيلَ» (حجر / ۸۵). هجران زیبا^{۱۲}: «...وَ اهْجُرْهُمْ هَجْرًا جَمِيلًا» (مزمّل / ۱۰).

گسستن زیبا^{۱۳}: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأَزُوجِكُمْ إِن كُنْتُمْ تُرِيدُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَ زِينَتَهَا فَتَعَالَيْنَ أُمْتَعُنَّ وَ أَسْرَحُنَّ سَرَاحًا جَمِيلًا» (احزاب / ۲۸).

مهم‌ترین مصداق در باب زیبایی‌های معنوی آن است که قرآن کریم، سرشار از زیبایی در ابعاد مختلف، اعم از لفظ و معناست. خداوند در باب تأثیر معنوی آیات خویش می‌فرماید: «تَقْشَعْرُ مِنْهُ جُلُودُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ ثُمَّ تَلِينُ جُلُودُهُمْ وَ قُلُوبُهُمْ إِلَى ذِكْرِ اللَّهِ...» (زمر / ۲۳). خداوند، نیکوترین سخن را از لحاظ لفظی و معنوی نازل کرده است؛ بنابراین هم تأثیر باطنی و درونی آن را تذکر می‌دهد و هم ایجاد دگرگونی در مخاطب را بیان می‌کند (ایازی، ۱۳۸۳: ۷۳).

به نظر استاد مطهری کسی که فضایل اخلاقی را از مقوله زیبایی بداند، بر این باور است که باید حس زیبایی را پرورش داد. اگر زیبایی فضایل اخلاقی درک شود، دیگر اعمال پلید انجام نمی‌شود. باید ذوق افراد را پرورش داد؛ زیرا ذوق، مربوط به زیبایی است. باید کاری کرد که انسان، صرفاً زیبایی محسوس را زیبایی نداند بلکه پای در عرصه زیبایی‌های معقول هم بگذارد. (رک: مطهری، ۱۳۷۷: ۵۲۴)

کمالات انسانی زیبا هستند؛ بنابراین لفظ «حَسَن» در مورد آنها به کار می‌رود،

رذایل اخلاقی نیز زشت هستند و لفظ «قبیح» در باره آنها استعمال می‌شود. این زیبایی و زشتی، معقول است و با زیبایی و زشتی محسوس تفاوت دارد. زیبایی‌های محسوس، نسبی و متغیرند و به حسب افراد، گوناگون می‌شوند ولی زیبایی‌های معقول در همگان مشترکند؛ مثلاً راستگویی یا پاکدامنی که از زیبایی باطنی و معقول برخوردارند، برای همگان زیبا هستند و به لحاظ افراد، متحول نمی‌شوند. (رک: غرویان، ۱۳۷۹: ۶۸-۶۹)

در آیات الهی به زیبایی‌های معنوی ملاحظه افزونتری شده است؛ زیرا این زیبایی‌ها در راستای هدف هدایتی قرآن کریم قرار دارند و هم‌چون جهت‌نمای دقیقی، انسان را برای نیل به غرض نهایی آفرینش هدایت می‌کنند. هر کدام از زیبایی‌های معنوی که اغلب جزء مکارم اخلاقی به شمار می‌روند، آثار لطیف فراوانی در زندگی انسان برجای گذاشته و موجب دستیابی انسان به سعادت راستین در هر دو سرای می‌شوند.

۴) آثار زیبایی شناسی در اصلاح سبک زندگی

اکنون به تبیین اصلی‌ترین بخش سخن که می‌توان از آن به مهم‌ترین یافته این پژوهش و امر مورد تأکید آن یاد کرد - یعنی رابطه مستقیم میان شناخت زیبایی و احساس آن و تطبیق زندگی و سبک آن با آنچه که آدمی به عنوان امر زیبا تلقی کرده است - می‌پردازیم. یکی از بزرگترین مشکلاتی که انسان با آن روبروست، عدم تعامل صحیح با پیرامون خویش به ویژه با دیگر انسان‌ها و نداشتن سبک صحیح زندگی است که پیامدهای ناخوشایندی را به‌ویژه در حوزه‌های اجتماعی به دنبال دارد. با توجه به آیات الهی، برپایه فطرت خدایی در وجود انسان، شناخت و کاربرد زیبایی‌ها به‌خصوص زیبایی‌های معنوی، نقش مهمی را در اصلاح سبک زندگی و

ایجاد آرامش در زندگی دنیوی و نیل به سعادت اخروی ایفا می‌کند. مهم‌ترین نقش زیبایی‌های معنوی در اصلاح سبک زندگی، ایجاد ارتباط صحیح میان افراد جامعه از کوچک‌ترین آن یعنی خانواده تا بزرگترین آن یعنی جامعه جهانی است. انسانی که زیبایی‌های اخلاقی را منشأ تفکر و عملکرد خویش ساخته، بر اساس امیال نفسانی عمل نمی‌کند بلکه مقاصد والای انسانی را بر خواسته‌های خود مقدم داشته و با افراد جامعه اعم از خانواده و دوستان ارتباطی شایسته برقرار می‌کند و به این ترتیب، هم خود در آرامش قلبی به سر می‌برد و هم موجب آرامش بخشی دیگران می‌شود. از آن‌جا که صفات حمیده، مورد وفاق تمام انسان‌ها با گونه‌های مختلف فکری و رفتاری است و به طور کلی به دلیل وجود داشتن حسن و جمال مورد پذیرش امت‌ها در پاره‌ای از افعال و خصلت‌ها این صفات، مورد قبول ایشان قرار گرفته است و این چنین است که مشاهده می‌کنیم تمامی بشریت جز آن دسته از کسانی که روحیه شقاوت بر ایشان غلبه کرده و سیاه دلی آنان موجب ندیدن زیبایی‌ها شده، به چنین زیبایی‌هایی اقبال کرده و از اضداد این صفات، گریزانند. برای چنین حالتی جز درک زیبایی در این امور و تطبیق زندگی شخصی و اجتماعی خود با آن دلیلی نمی‌توان یافت. صفاتی از قبیل صدق، عفاف، حلم، وقار و عفو را می‌توان از صفات جمیلی یافت که آدمیان همواره به دنبال مزین کردن شخصیت فردی و جمعی خود با آن‌ها هستند. در این رابطه می‌توان به عفو به عنوان یکی از زیبایی‌هایی که انسان دارای فطرت سلیم یافته است، مثال زد. چنین انسانی به دلیل درک زیبایی در گذشت، آن را در زندگی خود به کار می‌بندد و آن را از این حیث زیبا می‌سازد. او عذر دیگران را در ارتکاب خطا می‌پذیرد؛ زیرا درک می‌کند که عفو زیباست. علاوه بر این، چنین انسانی مردمان را به اعمال شایسته دعوت می‌کند و خودش عامل به زیبایی و معروف است. قرآن کریم، درباره تعامل

صحیح با دیگران با عنایت به خصلت عفو چنین توصیه می‌فرماید: «خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ» (اعراف / ۱۹۹)؛ چه این که عفو با مفهوم فراگیرش از حیث گونه‌های مختلف آن در عرصه‌های مختلف زندگی، جامع‌ترین زیبایی را به منصفه ظهور می‌رساند.

دیگر نقشی که برای شناخت زیبایی و تأثیر آن در اصلاح شیوه زندگی می‌توان به آن اشاره داشت، پی‌ریزی فضیلت ایثار در جامعه است. کسانی که بر اساس زیبایی‌ها عمل می‌کنند، از لحاظ اخلاقی رشد می‌یابند و مکارم اخلاق در آن‌ها نمود بارزی دارد؛ لذا سبک زندگی آنان با زیبایی‌های معنوی در ارتباط تنگاتنگ قرار دارد. از جمله زیبایی‌های اخلاقی که آثار فراوانی در ارتقای روابط ایجاد می‌کند، فضیلت ایثار و مقدم داشتن نیازهای دیگران بر نیازهای خویش است. به عبارت دیگر، انسان در حالی که خود، خواسته‌ای دارد از آن چشم‌پوشی کند و نیاز دیگران را دریابد: «وَيُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا» (انسان / ۸). در چنین شرایطی، مودت در اجتماع گسترش می‌یابد و در مواقع بحرانی، احساس تنهایی، آدمی را در برنمی‌گیرد. امید به آینده از دست نمی‌رود و انگیزه تلاش در انسان‌های ناتوان نابود نمی‌شود.

تمام دستورات الهی در قرآن کریم، اعم از آن که به معروفی امر نموده یا از منکری برحذر داشته، به طور مستقیم یا غیر مستقیم در جهت اصلاح شیوه زندگی آدمی و نیل او به سعادت دنیوی و اخروی است. خداوند سبحان می‌فرماید: «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً» (نحل / ۹۷). علامه طباطبایی، حیات طیبه را نوعی حیات جدید و خاص آنانی می‌داند که اهل ایمان بوده و عمل صالح انجام می‌دهند (طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۱۲، ۴۹۰).

برپایه آیات الهی، مهم‌ترین اصول سبکی از زندگی که به حیات طیبه منتهی

می‌شود، در سه مقوله مورد بحث قرار می‌گیرند: الف- اعتقاد به خدا؛ این امر، زندگی انسانی را به سوی کسب رضایت خداوند سوق می‌دهد. فردی که خدا را از رگ گردن به خویش نزدیک‌تر می‌بیند، (ق/ ۱۶) حق کسی را ضایع نمی‌کند. توجه به خداوند، آثار مثبت فراوانی بر زندگی انسان بر جای می‌گذارد که فرد را در برابر ناهمواری‌ها یاری می‌رساند (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ج ۲، ۵۶۲)؛ ب- اعتقاد به نبوت؛ توجه به تعالیم پیشوایان معصوم (ع) و الگوپذیری از آنان، نقش اساسی در اصلاح سبک زندگی ایفا می‌کند؛ ج- اعتقاد به معاد؛ این موضوع نیز افراد را متوجه اهداف پای‌دار در زندگی می‌کند و موجب پیوند اعضای اجتماع شده و فرد را در مواجهه با مشکلات آرامش می‌بخشد (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ج ۴، ۲۲). پای‌بندی به اصول شریعت اسلام و عمل بر اساس آن، کسی را که اهل ایمان و عمل صالح است، با حیاتی جدید زنده می‌کند که در قرآن کریم، از آن به حیات طیبه تعبیر شده است. هدف از نزول قرآن کریم، این است که خداوند به آدمی، شیوه‌ای از زندگی را بیاموزد که با عمل به آن می‌توان به نیک‌بختی در هر دو عالم دست یافت؛ لذا همه آیات قرآن در یک مجموعه معنایی کاملاً مرتبط با هم، چنین امری را یادآور می‌شود. قرآن کریم می‌فرماید: «وَأَبْتَغِ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَلَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا وَأَحْسِنْ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ وَلَا تَبْغِ الْفُسَادَ فِي الْأَرْضِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ» (قصص / ۷۷). تنها با توجه به مواردی که در این آیه شریفه ملاحظه می‌شود، سبک زندگی به زیباترین شیوه اصلاح خواهد شد. با نظر داشت آیه مذکور، به فکر آخرت بودن، استفاده از نعمت‌ها در راه رضایت خداوند، احسان کردن نسبت به دیگران و فساد نکردن از موارد مهمی است که زندگی را در مسیر صحیح قرار می‌دهد. بر پایه آیات قرآن کریم، کسانی که زیبایی‌های اخلاقی را سرلوحه زندگی خویش قرار می‌دهند، از آثار والای آن برخوردار می‌شوند؛ نظیر: الف- بهره‌مندی از

پاداش الهی: آدمی به هر میزانی که زیبایی را در زندگی خویش گسترش دهد، زیبایی‌ها در او عمق می‌یابد و نوع تفکر و کردارش نیز آثار زیبایی در اجتماع برجای خواهد گذاشت؛ لذا از پاداش الهی بهره‌مند می‌گردد: «...وَيَجْزِي الَّذِينَ أَحْسَنُوا بِالْحُسْنَى» (نجم / ۳۱)؛ خداوند، کسانی را که اطاعت کرده‌اند، به ثوابی حسنی یا به خود حسنی پاداش دهد (رک: طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۱۹، ۳۶). ب- زندگی زیبای دنیوی و اخروی: از میان دیگر آثار کاربرد زیبایی در جهت اصلاح شیوه زندگی، آن است که در دنیا در پرتو هدایت الهی، زندگی زیبایی نصیب چنین انسانی خواهد شد: «لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةٌ»^{۱۴} (نحل / ۳۰) و به سعادت اخروی نیز نایل خواهد شد. به نظر علامه طباطبایی، مراد از آن وعده برای آن کسانی است که همواره ملازم اعمال حسنه هستند. این گونه اشخاص، پاداشی دارند که نمی‌توان آن را وصف کرد (طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۱۷، ۳۷۴). ج- محبت و مودت در دل‌ها: «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا» (مریم / ۹۶). گزینش زیبایی در اندیشه و کردار، همان ایمان به خداوند و انجام عمل صالح است. «ودّ» و «مودت» به معنای محبت است و در این آیه شریفه، وعده جمیلی از ناحیه خدای تعالی آمده که به زودی برای کسانی که ایمان آورده و عمل صالح می‌کنند، مودتی در دل‌ها قرار می‌دهد (رک: طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۱۴، ۱۵۴).

(۵) نتیجه‌گیری

زیبایی، به خصوص زیبایی‌های معقول، شاخصی اصولی برای شناسایی و انتخاب عالی‌ترین روش زندگی است. قرآن کریم، علاوه بر آن که به زیبایی محسوس عنایت داشته به زیبایی معقول و معنوی به حکم آن که هویت انسان در جنبه روحی و معنوی اوست، توجه ویژه دارد و مراتب زیبایی را در جهت هدف آفرینش که

عبودیت خداوند است، بیان کرده و از انسان می‌خواهد که حتی از زینت‌های دنیوی به منظور رشد و هدایت خویش بهره جوید.

۱- نظر به این‌که هدف آرمانی انسان بر اساس فطرت الهی، نیل به عالی‌ترین شکل زیبایی یعنی کمال مطلق است، شناخت زیبایی، آثار فراوانی در هویت بخشی به انسان و اصلاح سبک زندگی او به جای می‌گذارد. از آنجاکه سبک زندگی انسان، سرنوشت او را در هستی پی‌ریزی می‌کند، باید با شناخت مبنایی از این امر به تحقق سبک و روشی زیبا در زمینه حیات انسانی همت گمارد.

۲- خداوند در قرآن کریم به انسان توصیه می‌کند که در امور گوناگون زندگی لازم است زیباترین شیوه را برگزیند؛ لذا به او زیبایی را در مراتب گوناگون خود، شامل: محسوس، غیرمحسوس، معقول و مطلق می‌آموزد. آدمی، ابتدا نخستین جلوه‌های زیبایی را که اصولاً در زیبایی‌های مادی خلاصه می‌شود، می‌بیند سپس براساس فطرت زیباجو و کمال‌طلب خویش، والاترین هستی زیبایی و کمال را خواهان می‌گردد. در آیات قرآن کریم، گرچه به زیبایی‌های محسوس، نظیر: وجود زیبایی در خلق هر موجودی اشاره شده، بر زیبایی‌های معقول، نظیر: زیبایی معنوی ایمان تأکید شده است.

زیبایی‌های معقول و معنوی، اصلی‌ترین نقش را در اصلاح سبک زندگی انسان که سرانجام آن دست یابی به حیات طیبه شامل: ایجاد ارتباط صحیح آدمی میان افراد گوناگون در جامعه، و پی‌ریزی خصوصیت ایثار، ایفا می‌کند؛ سبکی به دور از پلیدی و خاص کسانی که ایمان دارند و عمل صالح انجام می‌دهند. مهم‌ترین اصول اصلاح مورد تأیید قرآن کریم برای سبک زندگی در سه مقوله که همان اصول شریعت اسلام است، خلاصه می‌شود: اعتقاد به خداوند به مثابه جمال مطلق، نبوت به عنوان زیباترین تجلی جمال در حد انسانی و اعتقاد به معاد که در آن جمال

حقیقی مشاهده می‌شود و آدمی را به محقق ساختن امور زیبا برای فردای پایدار خود ترغیب می‌کند

پی‌نوشت‌ها

- ۱- آثار فراوانی با محتوای سبک زندگی «life Style» در جهان غرب و نیز با عنوان «نمط الحیاة» و «سلوب الحیاة» در جهان عرب نگاشته شده که به جهت کثرت آن‌ها و مبانی فکری نگارندگان آن که عمدتاً بر پایه فرهنگ غربی مطرح شده و نیز این که این آثار از مسأله اصلی این نگاشته که نقش شناخت زیبایی در اصلاح سبک زندگی است، به دور هستند، از معرفی آن‌ها صرف‌نظر می‌شود.
- ۲- چه بسا نسبت بین حسن و جمال که مهم‌ترین واژگان مفید مفهومی شبیه به زیبایی اند، این باشد که حسن خصوصیتی نسبت به جمال دارد بدین ترتیب که هر شیء حسن در نظر پی برنده به حسن آن دارای جمال است اما هر شیء دارای جمال لزوماً از حسن برخوردار نیست اما دیگر واژگان مرتبط همچون زینت، زخرف، حبک، بهجت و ... غالباً به زینتی که بر شیء جمیل یا حسن عارض می‌شود، اطلاق می‌گردد آن‌سان که پاره‌ای از زینت‌ها اساساً دروغین و بدون ریشه است که واژگانی چون تسویل به این زیباسازی‌های غیر راستین نظر دارند.
- ۳- ظاهر ساختن زیبایی زنان در معرض عموم، امری زشت و نازیباست؛ زیرا خداوند این امر را رفتاری مربوط به جاهلیت (اولی) می‌داند. علامه طباطبایی می‌فرماید: این روایت، نکته‌ای لطیف را از آیه شریفه استفاده کرده (طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۱۶، ۳۱۶)، یعنی عصر جاهلیت دیگری خواهد آمد که این‌گونه امور در آن دوره نیز انجام می‌شود.
- ۴- هنگامی که برادران یوسف (ع) پیراهن وی را با خون دروغین بیاوردند، یعقوب (ع) فرمود: «... بَلْ سَوَّلَتْ لَكُمْ أَنْفُسُكُمْ أَمْراً...» (یوسف / ۱۸). سامری نیز تحت تأثیر تسویلات نفسانی خویش، قوم موسی (ع) را به گمراهی افکند: «... وَ كَذَلِكَ سَوَّلَتْ لِي نَفْسِي» (طه / ۹۶).
- ۵- از نظر قرآن کریم، شیطان، عمل کسانی را که بعد از هدایت به کفر برمی‌گردند، در نظرشان آراسته است: «إِنَّ الَّذِينَ ارْتَدُّوا عَلَىٰ أَدْبَارِهِمْ مِن بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْهُدَىٰ الشَّيْطَانُ سَوَّلَ لَهُمْ...» (محمد / ۲۵).
- ۶- برای اکثر مردم، تأثیر زیبایی‌های محسوس و غیر محسوس طبیعی، مانع از برقرار

- ۷- ساختن ارتباط فکری با حقایق هستی می گردد. (جعفری، ۱۳۷۸: ۱۵۲)
- ۷- فقط زیبایی های معقول و ارزشی و فوق آنها؛ یعنی جمال مطلق و لم یزل و لایزالی، ثابت و پایدارند. (جعفری، ۱۳۷۸: ۱۵۲)
- ۸- یکی از مهم ترین خواص ایمان، آراسته شدن دلی ذکر شده که از ایمان برخوردار است (جعفری، ۱۳۷۸: ۳۰۵).
- ۹- صبر، حفظ قوام و سامان نفس است، به صورتی که اشکالی در مسایل مهم حیات فرد ایجاد نشود و انسان، تدبیر امور خویش را از دست ندهد. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۱۱، ۱۰۷-۱۰۸).
- ۱۰- آدمی برای آن که هم زیبا سخن بگوید و هم کلام زیبا به کار ببرد، باید نشانه های آن را بشناسد تا از آن پیروی کرده و در گفتار خود به کار ببرد. سخنی زیبا ست که ادب، شاخصه اصلی آن محسوب شود و از این که به عاقبت پلید و زشت منتهی گردد، به دور باشد (طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۱، ۱۱۵).
- ۱۱- عفو و گذشت نیز از جمله نمونه های زیبایی معنوی است. فرهنگ قرآن و اهل بیت (ع)، فرهنگ گذشت و صفح است. البته عفو زیبا که بدون منت گذاشتن و با وجود قدرت بر انتقام بوده و موجب سرکشی خطاکاران نشود. چنین عفو، تربیتی سازنده دربردارد که زیبایی جویی را برمی انگیزد (جعفری، ۱۳۷۸: ۳۰۱).
- ۱۲- گاهی نیز لازم است که از برخی امور، دوری یا بعضی افراد را ترک کرد؛ این امر نیز باید به زیبایی انجام شود تا نه تنها عواقب زشتی به جای نگذارد بلکه آثار نیکویی هم داشته باشد. قرآن کریم، پیامبر (ص) را به هجر زیبا در مقام مقابله با انکار دشمنان امر می کند؛ گرچه این هجران نباید به معنی قطع دعوت به سوی خدا باشد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۲۵، ۱۸۱).
- ۱۳- قرآن کریم، انسان را به رفتار شایسته و براساس زیبایی در تمام ابعاد زندگی امر می نماید؛ به طور نمونه در صورت ایجاد شرایط نامطلوبی که به گسستن پیوند زوجیت منجر شود، تأکید می کند که حتی این گسستن نیز به صورتی زیبا انجام شود؛ لذا نه تنها در شرایط عادی زندگی بلکه در موقعیت های بحرانی لازم است براساس زیبایی عمل کرد تا وضعیت نامطلوب تری ایجاد نشود.
- در این آیه، حسنه را مطلق آورده و ظاهر این اطلاق، آن است که مراد از آن اعم از حسنه آخرت و دنیا است که نصیب مؤمنان نیکوکار می شود، از قبیل طیب نفس، سلامت روح و محفوظ بودن جانها از آنچه دل های کفار بدان مبتلا است، مانند

۱۲۶ ■ شناخت زیبایی و آثار آن در اصلاح سبک زندگی (با تأکید بر آیات قرآن کریم)

تشویش خاطر، پریشانی قلب، تنگی سینه، خضوع در برابر اسباب ظاهری و ندا شتن کسی که در گرفتاری‌های روزگار به او پناهنده شود و از او یاری بگیرد و در هنگام پیش آمدن حوادث ناگوار به او تکیه داشته باشد و حسنه در آخرت نیز سعادت جاودان و نعیم مقیم است (طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۱۷، ۳۷۴).

منابع

قرآن کریم.

۱. ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۴)، *لسان العرب*، بیروت، دار صادر.
۲. خمینی، سیدروح الله مصطفوی، (۱۳۷۴)، *شرح دعای سحر*، احمد مهری، تهران، اطلاعات.
۳. انوری، حسن، (۱۳۸۲)، *فرهنگ بزرگ سخن*، تهران، انتشارات سخن.
۴. ایازی، سید محمدعلی، (۱۳۸۳)، *قرآن اثری جاویدان*، تهران، کتاب مبین.
۵. بهار، محمد تقی، (۱۳۸۱)، *سیک شناسی*، تهران، انتشارات زوار.
۶. جعفری، محمد تقی، (۱۳۷۸)، *زیبایی و هنراز دیدگاه اسلام*، تهران، تدوین و نشر آثار علامه جعفری.
۷. جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۸۸)، *تسنیم*، قم، اسرا.
۸. _____، (۱۳۹۱)، *مفاتیح الحیاء*، قم، اسرا.
۹. خرقانی، حسن، (۱۳۸۷)، «قرآن کریم چشمه سار زیبایی شناسی»، *فصلنامه تخصصی پژوهشی میان رشته ای قرآن کریم*، سال اول، شماره سوم، صص ۶۷-۷۷.
۱۰. دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۳)، *لغت نامه دهخدا*، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۱۱. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۳۷۵)، *المفردات فی غریب القرآن*، تحقیق: محمد سید گیلانی. بیروت، دار المعرفة.
۱۲. سیدی، سید حسین، (۱۳۹۰)، *زیبایی شناسی آیات قرآن*، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۱۳. طباطبایی، محمدحسین، (۱۴۱۷ق)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۴. عادل مقدّم، محمد علی، (۱۳۸۳)، «مصدق های زیبایی در نگاه قرآن کریم»، *رشد*

آموزش قرآن، شماره ۶۰، صص ۱۶-۲۱.

۱۵. عبدالحمید سلیمان، شاکر، (۱۳۸۴)، *التفضیل الجمالی*. کویت، عالم المعرفة.
۱۶. غرویان، محسن، (۱۳۷۹)، *فلسفه اخلاق*، قم، پیک جلال.
۱۷. فاضلی، محمد، (۱۳۸۲)، *مصرف و سبک زندگی*، قم، صبح صادق.
۱۸. فعالی، محمد تقی، (۱۳۹۶)، *سبک زندگی توحیدی و موفقیت الهی*، چاپ دوم، تهران، موسسه فرهنگی هنری دین و معنویت آل یاسین.
۱۹. فیروز آبادی، محمد بن یعقوب، (۱۴۱۶ ق.)، *بصائر ذوی التمییز فی الطائف الکتاب العزیز*، تحقیق: محمدعلی نجار، قاهره، المجلس الأعلى للشؤون الإسلامیة.
۲۰. مصطفوی، حسن، (۱۳۷۴)، *التحقیق فی الکلمات القرآن الکریم*، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۲۱. مطهری، مرتضی، (۱۳۷۷)، *مجموعه آثار استاد شهید مطهری*، قم، انتشارات صدرا.
۲۲. _____، (۱۳۸۱)، *تعلیم و تربیت در اسلام*، قم، انتشارات صدرا.
۲۳. مطیع، مهدی، (۱۳۹۱)، *معنای زیبایی در قرآن کریم*، تهران، انتشارات امام صادق (ع).
۲۴. معین، محمد (۱۳۷۱)، *فرهنگ فارسی معین*، تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
۲۵. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، (۱۳۷۴)، *تفسیر نمونه*، تهران، دارالکتب العلمیه.
۲۶. مهدوی کنی، محمد سعید، (۱۳۹۳)، *دین و سبک زندگی*، تهران، دانشگاه امام صادق.
۲۷. وبر، ماکس، (۱۳۸۴)، *دین، قدرت و جامعه*، ترجمه احمد تدین، تهران، هرمس.
28. Msn , Encarta Dic , www. Msn. com, (2004).

Recognizing beauty and its effects on lifestyle modification (Emphasizing on the verses of the Holy Quran)

Kobra Aliakbar¹, Mohammadreza Shahroodi², Mahmood Abaei koopaei³, Ghasemali Kouchnani⁴

Abstract

A common topic in religious sources is the recognition and application of beauty in life. The desire for beauty and the intellect's order for beautifying oneself and one's life are intrinsic. The Holy Qur'an also acquaints people with beauties and guides them to create them in their lives. The Holy Qur'an teaches man the levels of beauty, which include tangible, intangible, sensible, and ultimately absolute beauty- which is specific to God's beauty- and asks him to use rational and spiritual beauties to achieve the desired perfection, based on his natural tendency to beauty. On the other hand, there is a need for being deeply aware of the correct lifestyle, since one's lifestyle has lots of effects on him and because he must correct it to achieve perfection and happiness. The study of (Islamic) religious texts teaches us that only through learning about and employing reasonable beauties one can improve one's spiritual lifestyle in various dimensions, especially in establishing proper communication between different people in the society and also especially in cultivating the spirit of self-sacrifice. The lifestyle based on moral beauty, which is described in the Holy Qur'an as "Hayat tayeba" (i.e. a pure and beautiful life), is reserved for those who believe in God and do righteous deeds.

Keywords: Beauty, lifestyle, pure life, tangible beauty, intangible, Quran

1- Ph.D Student at the Islamic Azad University (Southern Tehran Branch)

k.aliakbar1394@gmail.com

2- Associate Professor at the faculty of Theology, Tehran University. (Corresponding Author).

mhshahroodi@ut.ac.ir

3- Assistant Professor at the Islamic Azad University (Southern Tehran Branch).

m_abaeikoopaei@azad.ac.ir

4- Associate Professor at the University of Tehran.

kouchnani@ut.ac.ir